



۱۰

## حمایت بنیاد سینمایی فارابی از ۱۲ اثر در جشنواره



## عکس‌های جدال ابدی در گلستان

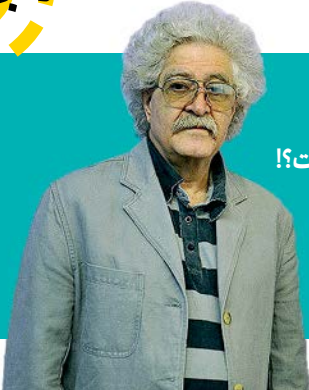


۱۲

۱۲

## مقاومت در اردوگاه بچه‌ها

در نمایشگاه آثار برگزیده پنجمین جشنواره هنر مقاومت چه خبر است؟!



# فرهنگ

دوشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۷ :: شماره ۵۳۱۷

امروز چی داریم؟

### مهربانی‌ها و بی‌مهری‌های جشنواره‌ای

این روزها حسابی سرمان شلوغ است؛ بیشتر از همه علی‌خان رستگار و ساناز خانم قنبری که پردیس‌نشین شده‌اند به همراه آمیز مم‌صادق علیزاده و هی فیلم می‌بینند و هی می‌نویسند و هی می‌فرستند برای ما که صفحات را بیاراییم. امروز برای شما تدارک ویژه دیده‌ایم، به‌خصوص در دو صفحه میانی که حاصل شخم‌زدن باغچه جشنواره فجر است و گفتن حرف‌هایی که تا امروز کمتر گفته شده است. اجازه بفرمایید که قدم به قدم پیش برویم از همین صفحه شروع کنیم:

### حسین‌خان انتظامی مثل همیشه نکته‌ای قابل

تأمل ذکر فرموده‌اند و ما را بر آن داشتند که مفصل و مبسوط به آن بپردازیم. سرپرست سازمان سینمایی گفته‌اند که شفافیت این است که ضوابط در همه حیطه‌ها مشخص باشد و همه آیین‌نامه‌ها و ضوابط و بسته‌های حمایتی دولت منتشر شود و در مقابلش دولتی‌ها پاسخگو باشند و بعد در ادامه این سوزنی که به خود زده‌اند جوالدوزی حواله اهالی هنر کرده‌اند و گفته‌اند:

همچنان که معتقدیم بخش‌های دولتی باید شفاف عمل کنند بخش مولد هم باید این مسیر را دنبال کنند.... همین حرف‌ها بهانه‌ای شد که یک بار دیگر سراغ موضوع شفافیت سرمایه‌گذاری‌ها در سینما و تئاتر و فرهنگ برویم و یک بار دیگر اهمیت و ضرورت آن را گوشزد کنیم.

برای دو صفحه میانی، رستگارمان کاری کرده کارستان. بماند که امروز روز تولد **استاد نصیریان** است و بماند که این روزها استاد عزادار از دست دادن همسرش است؛ همین که استاد هنوز حضوری پرنشاط در سینما و تئاتر دارد و هنوز مثل یک جوان با انگیزه کار می‌کند، کافی است که درباره‌اش بنویسم اما شاید اکران فیلم مسخره‌باز با بازی او بهانه خوبی باشد برای نوشتن درباره بی‌مهری جشنواره فجر به بزرگ آقای بازیگری کشورمان. علی رستگار مقاله پربار و دقیقی از هنرنامه‌ی‌های علی نصیریان و توانمندی‌های بی‌نظیرش طی چند دهه نوشته و گلایه‌ای کرده به جشنواره فجر و بی‌مهری‌هایش.... این گزارش را که بخوانید هم با ابعاد هنرمندانه و خلاقانه بازیگری علی نصیریان بیشتر آشنا خواهید شد و هم با دانش و سواد علی رستگار که پرواز پشه‌ای در عرصه سینما از نگاه و حافظه‌اش دور نمی‌ماند و اگر به ویکی‌پدیا و گوگل هم مراجعه‌کنند برای تصدیق

محتفوقات است نه کسب اطلاعات. در آخرین صفحه متعلق به گروه فرهنگ و هنر سراغ پنجمین **جشنواره**

**مقاومت** رفته‌ایم و از روند برگزاری آن اطلاعاتی تدارک دیده‌ایم. البته که این گزارش یک توصیف ساده و بی‌نظر نیست و به شیوه برگزاری آن هم نقد داشته‌ایم و کوشیده‌ایم همه ابعاد جشنواره را ببینیم. در کنار گزارش جشنواره فاطمه شهدوست، دخترک نکته‌بین و ظریف‌اندیش گروه فرهنگی، گفت‌وگویی کرده با غلامرضا نامی و در گپی کوتاه با این استاد نقاش به کالایی شدن هنر پرداخته‌است.



## آشیانه سیمرغ

۲ بار نامزد شدن، تنها دستاورد علی نصیریان در جشنواره فجر بوده آیا طلسم سیمرغ نگرفتن او، امسال شکسته می‌شود؟

عکس: پناوش همایونی | جام جم

این‌که بسیاری از فیلمسازان هر چند موافق شفافیت مالی در زمینه سرمایه‌گذاری آثارشان هستند، اما کمتر سینماگری است که علاقه‌ای به اعلام نام شخصیت حقیقی و حقوقی سرمایه‌گذار فیلمش داشته باشد.

خبرگزاری مهر همین دیروز با چند سوال ثابت سراغ برخی از فیلم‌های حاضر در جشنواره رفت و از آنها درباره سرمایه‌گذار فیلم‌ها پرسید. البته بسیاری از آنها نام سرمایه‌گذاران را اعلام کرده بودند اما برخی از فیلم‌ها مورد سوال قرار گرفته هم نه تنها رغبتی به اعلام این نام‌ها نداشتند بلکه انتشار اسامی سرمایه‌گذاران را هم‌راستا با بحث شفافیت مالی نمی‌دانستند. به این مفهوم که بر این باورند اعلام این اسامی ربطی به موضوع شفافیت مالی ندارد! در این میان برخی کارشناسان حوزه فرهنگ بر این باورند حضور دولت در بحث سرمایه‌گذاری یکی از موانع این شفاف‌سازی است. یکی از آنها سخنگوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی است. احد آزادی‌خواه معتقد است از آنجا که سینمای ایران خصوصی نیست و نمی‌تواند مستقل از دولت فعالیت کند خلأ شفافیت مالی نیز در این حوزه به دلیل نبود انگیزه برای بازگشت سرمایه در مدت زمان مشخص دیده می‌شود.

او همچون برخی دیگر از اهالی فرهنگ بر این باور است استقلال سینما از دولت یکی از راه‌های مهم برای دستیابی به شفافیت مالی است. سینما باید به عنوان صنعتی تجارت‌پذیر در دستان بخش خصوصی قرار بگیرد، چراکه به مرور پروژه‌های سینمایی شفافیت اقتصادی پیدا کرده و مشخص می‌شود چقدر پول با چه استانداردی در تولید، ساخت و اکران هزینه می‌شود.

وجود شفافیت در این حوزه فارغ از جلوگیری از وقوع فسادهای احتمالی می‌تواند به اعتماد عمومی به این حوزه کمک کند، هر چند دوباره یک پرسش کلبیدی جایگزین همان سوال کلیشه‌ای گذشته خواهد شد و آن این‌که آیا با دانستن حقیقت زاییده از این شفافیت به‌راحتی کنار خواهیم آمد؟

طرح صرفا دولتی نیست و اگر يك سمت آن شفاف‌سازی درباره بودجه‌های حمایتی از طرح‌های دولتی است، سمت دیگر آن سینماگران بهره‌مند از این حمایت‌ها یا متکی بر حمایت‌های بخش خصوصی هستند.

سرپرست سازمان سینمایی چندی پیش در يك گفت‌وگوی تلویزیونی در پاسخ به این‌که «فکر می‌کنید اهالی سینما تن به این بدهند که قراردادهاى بازیگران یا نحوه ورود سرمایه به طرح‌های سینمایی را شفاف اعلام کنند؟» گفت: «این همت الان در خانه سینما وجود دارد. یعنی ما آمادگی داریم به عنوان دستگاه حاکمیتی در این مسیر حرکت کنیم.» انتظامی که معتقد است به مصلحت دولت نیست که در مسائل داخلی صنوف دخالت کند گفت: «درباره مسائل مربوط به هزینه‌های سرمایه‌گذاری و تولید فیلم‌ها هم با سازوکارهایی که در خانه سینما قابل طراحی است می‌توان ابهامات را روشن کرد.» سازوکارهای مورد اشاره سرپرست سازمان سینمایی هر چه باشد آنچه معلوم است

## از کجا آورده‌ای؟

### سینمای ایران و چالشی به نام شفافیت مالی



میثم اسماعیلی

فرهنگ و هنر

این وزارتخانه بود. بحث «شفافیت مالی» حالا فراتر از يك چالش ژورنالیستی تبدیل به يك مطالبه عمومی در جامعه سینمای ایران شده است؛ مطالبه‌ای که نه فقط مطبوعات و اصحاب رسانه که حالا سرپرست سازمان سینمایی هم با صراحت پیگیر آن شده است.

دیروز نقل قولی از حسین انتظامی منتشر شد که ناظر به همین موضوع شفافیت است. هر چند او مدت‌هاست در حوزه رسانه و سینما با کلیدواژه شفافیت حرف‌های بسیاری زده است. حسین انتظامی گفته است: «شفافیت آن است که ضوابط ما در همه حیطه‌ها روشن باشد و این موضوع را باید ادامه دهیم و طبیعتا جای کار زیادی دارد. باید همه آیین‌نامه‌ها، ضوابط و بسته‌های حمایتی مان را منتشر کنیم و در مقابل پاسخگو باشیم زیرا وجه دیگر شفافیت این است که بازخورد بگیریم و رفتار خودمان را هم اصلاح کنیم.» شاید برای آنها که حوزه فرهنگی ایران را رصد می‌کنند این جملات آشنایی باشد اما نکته مهم و حرف تازه حسین انتظامی جایی بود که او اعلام کرد: «این موضوع يك امر دو طرفه نیز هست یعنی همچنان که معتقدیم بخش‌های دولتی باید شفاف عمل کنند بخش مولد هم باید این مسیر را دنبال کنند در غیر این صورت این مسیر هماهنگ نیست.» حسین انتظامی از زمان تصدی مسؤولیت در سازمان سینمایی، تمرکز ویژه‌ای بر شعار شفافیت در همه ابعاد داشته و در همین راستا هم زیرمجموعه‌های این سازمان از بنیاد سینمایی فارابی گرفته تا مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی در نوبت‌های مختلف گزارش ریز گردش مالی خود را در بازه‌های زمانی مختلف منتشر کرده‌اند. واقعیت اما این است که شفا فیت يك

پیش‌تا به حال سرآغاز بحث شفافیت يك سوال نخ‌نما شده‌ای بود تحت این عنوان: «از کجا آورده‌ای؟» البته که فضای سال‌های اولیه پس از انقلاب چنین سوالی را طلب می‌کرد، اما آنچه مشخص است این‌که همچنان این پرسش بی‌پاسخ مانده است. جالب این‌که حالا و پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب همچنان برداشت اولیه از بحث شفافیت مالی همان سوال کلیشه و نخ‌نما شده است. همین چند سال پیش و نزدیک به انتخابات ریاست جمهوری بود که برخی شائبه ورود پول‌های کثیف به حوزه انتخابات را مطرح کردند و از همان زمان ترکیب «پول کثیف» وارد ادبیات رسانه‌ای ایران شد. این موضوع البته که ادامه داشت تا چند وقت پیش که با انتشار خبر دستگیری و بازداشت یکی از تهیه‌کنندگان سینما و شبکه خانگی بار دیگر پای پول‌های تمیز و کثیف و نقش آن در سینمای ایران به رسانه‌ها باز شد. با انتشار این اخبار بود که اهالی رسانه کمی به عقب برگشتند تا نگاهی دوباره به تیتراژ پایانی فیلم‌ها و اسامی بیندازند و جالب این‌که به نام‌های جالبی هم رسیدند که شاید مهم‌ترین‌شان در آن دوره نام بابک زنجانی برای تهیه چند فیلم داستانی در سینمای ایران بود. اینها جرقه‌های اولیه ماجرا بود اما موضوع ادامه پیدا کرد و همچنان عوامل فیلم‌ها دافعه عجیبی نسبت به انتشار اسامی سرمایه‌گذاران فیلم‌های خود داشتند، هر چند برخورد و بازداشت‌ها هم شانه به شانه با این عدم شفافیت ادامه داشت تا این موضوع به نوعی به يك مطالبه نزد افکار عمومی درآید.

همین حساسیت افکار عمومی بود که بسیاری از ارگان‌ها و نهادها برای تبلیغ کارکرد کاری خود از همین ترکیب شفافیت مالی استفاده کردند. به نوعی این شد شعار محوری این ارگان‌ها برای جذب اعتماد عمومی در سلامت کاری‌شان. البته ناگفته نماند این شعار مورد استقبال اهالی رسانه و افکار عمومی هم قرار گرفت. نمونه‌اش رفتار وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در بحث دسترسی آزاد به اطلاعات اقدامات



### داداش! ژلوفن داری؟!

دیروز که برگشته بودیم محل و رفتیم پارکینگ که یه سری به اف‌هاش عروسکی مون بزنیم این غُلو م شاتره و کریم ریقوی فن فنی اومده بودن جلو و میخ شده بودن که الا و بلا داستان یکی دو تا از فیلمایی که دیدی رو واسه ماتعریف کن! چون داداش ما رو میگی؟! انگار برق سه فاز وصل کردن پس مغزمون! آخه حالا چی قرقره کنیم؟! بگیم هی نشستیم و هی نشستیم و هی نشستیم و هیچی ملتفت نشدیم! د نشد!

آقا حالا ما دم دنبال قهوه‌ای کردن نیستیم، یعنی چون داداش تو مرام ما نیست ولی این ناصر کامیونی رو کفن کنن ما نفهمیدیم ایراد از آنتن ماست که کلهم اجمعین از بعضی از این فیلما هیچی نمی‌فمیم یا ایراد از فیلمه یا چی اصن؟! نمونه‌اش همین دیروز پریروز! ولو شدیم روی صندلی و پا رو پا انداختیم و قولنج کت و کول رو شکوندیم و سیبیل نم‌دارمون رو چرب کردیم که میخ بشیم رو پرده و حالی ببریم... هی نیستیم! هی نیستیم! هی نیستیم! نشد که نشد!

حالا تکلش شاید از زبون این داداشتون درست نباشه و واسه‌ش آفت داشته باشه ولی این‌که آدم فکر کنه خیلی نفهم و بی‌شعوره و چیزی نمی‌فهمه بدجور آب و روغن آدمو قاطی می‌کنه! تو نمیری بعد فیلم کله‌مون شده بود عینهو لاستیک تاب برداشته ده چرخ و سردرد آمون شو بریده بود. انگاری که با تایرلور گذاشته باشن پس کله ما! تا کتناک خوردن اعصاب معصاب چیزی نمونه و عنقریب بود که پخش و پلاهامونو از رو در و دیفال با کاردک جمع کنن.

از منوچ میشنفید اگه شومام باتون به دیدن همچین فیلمایی باز شد و هی نشستید و هی نیستید و خیری نشد، به بهونه دست به آبی مستراح‌ی چیزی بزیند بیرون بلکم هوایی به سرتون بخوره و دوباره میزون شید! آره آقا چون! بعضی فیلما رو بلانسبت شوما و ما و جمعی که چنبره زدن روی صفحه روزنامه و داره این چند خط کاغذو می‌خونن باهاس با ژلوفن رد کرد. حالا ما ی بیغ و صفرکیلومتر رو بوگو که فکر می‌کردیم به ژلوفن کفایت می‌کنه تو نگو بعضیای دیگه هم هستن که یه بسته هم براشون کسه! زمان ما این ریختی نبود لوطی! ملت از سرو کول هم بالا می‌رفتن و بلیت می‌خریدن واسه سینما اومدن نه این‌که مخ‌شون گریپاژ کنه که داستان چی بود و کی به کیه و چی به چی بود و زن اون چرا با شوور این می‌پره و تیش هم عین عملی‌های جوب خواب، بسته بسته ژلوفن و استامینوفون کدئین بندازی بالا بلکم بشوره و بیره! اصن یادم می‌افته دوباره سردرد می‌گیرم! داداش! ژلوفن داری؟!